

واژگان درس اول کتاب زبان دهم - صفحه ۱

a few	تعداد کمی	creation	خلق، آفرینش	however	هرچند، اگرچه
a lot	زیاد	danger	خطر	human	انسان، بشری
add	افزودن	destroy	ویران کردن	hunt	شکار کردن
affirmative	مثبت، تایید آمیز	die out	منقرض شدن	hunter	شکارچی
Africa	آفریقا	divide	تقسیم کردن	hurt	صدمه دیدن، آسیب
air	هوا	duck	أردک، مرغابی	idea	ایده، نظر
alive	زنده	easy	آسان	identify	شناسایی کردن
amazing	شگفت انگیز	endangered	در معرض خطر	increase	افزایش یافتن، افزایش
among	در بین چند چیز	enjoy	لذت بردن، بهره مند شدن	injured	زخمی، آسیب دیده
anymore	دیگر	enough	کافی	instead	به جای، در عوض
appropriate	مناسب، شایسته	especially	مخصوصاً	intonation	آهنگ کلام
around	دوروبر، اطراف	exam	آزمون، امتحان	knowledge	دانش، آگاهی
Asian	آسیایی	expression	بیان، اصطلاح	lake	دریاچه
average	متوسط، میانگین	falling	أفتان	learn about	آگاهی یافتن، مطلع شدن
baby	کودک، نوزاد	farmer	کشاورز	leave	ترک کردن
based on	بر اساس، مبتنی بر	find	یافتن	leopard	پلنگ
bear	خرس	following	زیر، ذیل	lifespan	طول عمر
building	ساختمان	forest	جنگل	living thing	موجود زنده
call	نامیدن، خبر کردن	future	آینده	longer	طولانی تر، بیش تر
check	کنترل کردن	gazelle	غزال	lose	از دست دادن، گم کردن
cheetah	یوز پلنگ	goat	بُر	match	تطبیق دادن
circle	دایره	heaven	آسمان، بهشت	mean	معنی دادن، منظور داشتن
common	عام، مشترک	hope	امید وار بودن	mountain	کوه
consider	در نظر گرفتن	hopeful	امیدوار	movie	فیلم
conversation	مکالمه	hopefully	امیدوارانه، خوشبختانه	museum	موزه

واژگان درس اول کتاب زبان دهم - صفحه ۲

natural home	زیستگاه طبیعی	put out	خاموش کردن (آتش)	travel	سفر کردن
nature	طبیعت	really	واقعاً	trip	سفر کردن، گردش
near	نزدیک	recently	اخیراً	type	نوع
negative	منفی	relative	خویشاوند، نسبی	unscramble	مرتب کردن کلمات در هم
North	شمال	report	گزارش، گزارش کردن	variation	تنوع، گوناگونی
noun marker	نشانه‌گر اسم	right	درست، راست	verily	حقیقتاً، به راستی
only	فقط، صرفاً	rising	خیزان	village	روستا، دهکده
orally	به طور شفاهی	road	جاده	visitor	ملاقات کننده
pain	درد، رنج	rule	قاعده، دستور	voluntary	داوطلبانه
pair up	دو به دو شدن	safe	امن، بی خطر	weather	آب و هوا
part	بخش، قسمت	save	نجات دادن	weekend	آخر هفته
pattern	الگو، طرح	schedule	برنامه، جدول	West	غرب
pay attention	توجه کردن	second	دومین	whale	نهنگ
Persian Gulf	خلیج فارس	sign	علامت، نشان	whenever	هر وقت
pilot	خلبان	simple	ساده	wife	زن (همسر)
plain	دشت، هامون	singular	مفرد	wild	وحشی
plan	طرح، برنامه داشتن	sit down	نشستن	wildlife	حیات وحش
plant	گیاه	strategy	راهبرد، ساز و کار	wolf	گرگ
plural	جمع	take care of	مراقبت کردن از	wonderful	شگفت انگیز، جالب
power	قدرت، توان	take photo	عکس انداختن	zebra	گورخر
program	برنامه	think about	فکر کردن در باره ی	zookeeper	نگهبان باغ وحش
pronunciation	تلفظ	tiger	ببر		
proper	خاص، شایسته	together	با همدیگر		
protect	محافظت کردن	tourist	گردشگر		
protection	محافظت	tower	برج		

واژگان درس دوم کتاب زبان دهم - صفحه ۱

a long time	مدت طولانی	clear	واضح ، روشن	far	دور
above	بالا ، روی	close	نزدیک	farther	دورتر
abroad	خارج از کشور	cloudy	ابری	farthest	دورترین
actually	واقعاً	collect	جمع آوری کردن	fast	سریع، به سرعت
African	آفریقایی	comparative	مقایسه ای ، تفضیلی	fight	جنگیدن
after	بعد از	compare	مقایسه کردن	form	شکل ، حالت
again	دوباره	control	کنترل کردن	fresh	تازه ، با طراوت
against	علیه، مقابل	cook	آشپزی کردن، پختن	fruit	میوه
alike	شبیبه ، همانند	cooking	آشپزی	funny	بامزه ، جالب
all day long	تمام طول روز	cross	عبور کردن از عرض	German	آلمانی
all the time	تمام مدت	daily	روزانه	gift	هدیه ، کادو
angry	عصبانی	dark	تیره ، تاریک	give up	دست کشیدن ، رها کردن
ant	مورچه	deep	عمیق	go around	دور زدن ، چرخیدن
area	منطقه ، ناحیه	defend	دفاع کردن	golden	طلایی
arrow	پیکان، فلش	definition	تعریف	great	عظیم ، بزرگ
ask about	پرسیدن در مورد	delicious	خوشمزه	grow	رشد کردن
attack	حمله کردن	describe	توضیح دادن، تشریح کردن	grow up	بزرگ شدن
bacteria	باکتری ها	develop	تکامل بخشیدن	happen	اتفاق افتادن
be interested in	علاقه مند بودن	details	جزئیات	hard	سخت ، به سختی
be sure	مطمئن بودن	difficult	مشکل	healthy	سالم
before	قبل از ، قبلاً	disease	بیماری	heart	قلب
belief	باور ، عقیده	do exercise	ورزش کردن	heavy	سنگین
best	بهترین	donate	اهدا کردن	helpful	مفید ، سودمند
better	بهتر	downward	رو به پایین	hot	داغ
blood	خون	draw	رسم کردن، کشیدن	important	مهم
brain	مغز	dress	پیراهن زنانه	in fact	در حقیقت
brave	شجاع	drop	قطره، انداختن	in terms of	از نظر
camel	شتر	element	عنصر	Indian	هندی
carefully	با دقت	energetic	پرانرژی ، فعال	inside	داخل ، درون
careless	بی دقت، بی احتیاط	even	حتی	interest	علاقه
carry	حمل کردن ، بردن	everywhere	همه جا	invent	اختراع کردن
cell	سلول	exercise	ورزش ، تمرین	irregular	بی قاعده
change into	تبدیل کردن به	expensive	گران	job	شغل ، کار
cheap	ارزان	extra	اضافی	Jupiter	سیاره ی مشتری
Chinese	چینی	fact	حقیقت	keep	نگه داشتن، حفظ کردن
choose	انتخاب کردن	famous	مشهور		

واژگان درس دوم کتاب زبان دهم - صفحه ۲

kind	مهربان	plane	هواپیما	ugly	زشت
late	دیر	planet	سیاره	upward	رو به بالا
laugh	خندیدن	plasma	پلاسما ، خونابه	Uranus	سیاره ی اورانوس
lens	عدسی ، لنز	Pluto	سیاره ی پلوتو	useful	مفید
light	روشن کردن	polite	مُؤدب	usually	معمولاً
like	مثل	powerful	قوی ، قدرتمند	virus	ویروس
liquid	مایع ، سیال	problem	مسئله	war	جنگ
living cell	سلول زنده	pump	پمپاژ کردن	way	راه ، شیوه
look at	نگاه کردن به	quality	کیفیت	weak	ضعیف
Mars	سیاره ی مریخ	rapidly	به سرعت	well	سالم ، تندرست ، به خوبی
material	ماده ، جنس	quit	دست کشیدن ، رها کردن	without	بدون
medium	متوسط ، ملایم	research	تحقیق	wonder	متعجب شدن، شگفتی
Mercury	سیاره ی عطارد	ring	حلقه ، زنگ زدن	wooden	چوبی
microbe	میکروب	river	رودخانه	world	جهان
microscope	میکروسکوپ	rock	سنگ ، صخره	worry	نگران بودن
modern	جدید ، مدرن	rocky	صخره ای	worse	بدتر
moon	ماه ، قمر	Saturn	سیاره ی زحل (کیوان)	worst	بدترین
nation	ملت ، کشور	seafood	غذای دریایی	young	جوان، کم سن و سال
nationality	ملّیت	sick	بیمار ، مریض		
neat	پاکیزه ، مرتب	size	اندازه		
neighbor	همسایه	sky	آسمان		
Neptune	سیاره ی نپتون	solve	حل کردن		
nice	خوب ، نجیب ، زیبا	soldier	سرباز		
nothing	هیچ چیز	sometimes	گاهی		
observatory	رصدخانه	star	ستاره		
of all	از همه	stay	ماندن، اقامت کردن		
of course	البته ، قطعاً	still	هنوز		
old	پیر ، قدیمی	strange	عجیب		
on their own	خودشان به تنهایی	strong	قوی		
opinion	عقیده ، نظر	success	موفقیت		
orbit	دور زدن ، مدار	such as	از قبیل		
order	مرتب کردن، نظم دادن	superlative	عالی ، برترین		
organ	اندام	telescope	تلسکوپ		
paint	نقاشی ، رنگ	thousand	هزار		
place	مکان، قرار دادن	ticket	بلیط		

واژگان درس سوم کتاب زبان دهم - صفحه ۱

action	عمل ، اقدام	during	در طی ، در طول	hospital	بیمارستان
airplane	هواپیما	emotion	احساس ، عاطفه	inside	درون ، داخل
alone	تنها ، به تنهایی	emphatic	تاکیدی ، مُؤکِّد	interrogative	پرسشی، سوالی
as	به عنوان	energetic	فعال ، پر انرژی	interview	مصاحبه
ashamed	شرمسار ، شرمنده	experiment	آزمایش ، تحقیق	invent	اختراع کردن
at the end	در پایان	express	بیان کردن	invention	اختراع
at the moment	در حال حاضر، فعلاً	famous	مشهور ، نامی	inventor	مخترع
attend	حضور یافتن	feel	احساس کردن	jump out	بیرون پریدن
background	پیش زمینه ، سابقه	finally	سرانجام	key	کلید، راهنما
be after	به دنبال ، در جستجوی	flu(influenza)	آنفلوآنزا	kid	بچه ، کودک
behave	رفتار کردن	fortunately	خوشبختانه	kill	کشتن
belief	باور ، عقیده	full	پُر ، کامل	kitty	بچه گربه
believe	اعتقاد داشتن	gain	کسب کردن	laboratory	آزمایشگاه
bring	آوردن	get around	شیوع یافتن (بیماری)	let's	بیاید
build	ساختن	give up	دست کشیدن	light bulb	لامپ حُبابی
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن، قطع برق	living room	پذیرایی ، هال
come in	وارد شدن	grave	گور ، قبر	make a noise	سر و صدا کردن
continuous	پیوسته ، مداوم، مستمر	grow up	بزرگ شدن	meaning	معنی ، مفهوم
cool	باحال ، جالب ، خنک	guess	حدس زدن	medicine	رشته ی پزشکی ، دارو
cradle	گهواره	have fun	خوش گذراندن	narrate	تعریف کردن داستان
dangerous	خطرناک	heavily	به شدت	next door	همسایگی
description	توصیف ، توضیح	himself	او خودش	no one	هیچ کس
develop	گسترش ، توسعه	history	تاریخ	notice	توجه کردن
device	دستگاه ، ابزار	holy	مقدس ، مُنَزّه	novel	رُمان

واژگان درس سوم کتاب زبان دهم - صفحه ۲

observe	مشاهده کردن	rich	ثروتمند	translator	مترجم
outside	بیرون ، خارج	sadly	متأسفانه	try	تلاش کردن
pass away	درگذشتن، رحلت کردن	same	یکسان، همانند	unfortunately	متأسفانه، بد بختانه
patient	بیمار، صبور	science	علم	university	دانشگاه
peace	صلح ، آرامش	scientist	دانشمند	upon	بر ، روی
personality	شخصیت	seek	جستجو کردن	value	ارزش
poem	شعر	self-pronoun	ضمیر انعکاسی	wait	منتظر ماندن
poet	شاعر	sense	حس	while	زمانی که
poor	فقیر ، بیچاره	shopping	خرید	writer	نویسنده
possible	ممکن	situation	موقعیت، وضعیت	yard	حیاط
progressive	استمراری، پیش رَوَنده	skill	مهارت		
prophet	پیامبر	solve	حل کردن		
publish	منتشر کردن	special	خاص		
put emphasis	تاکید کردن	state	حالت ، وضعیت		
quickly	به سرعت	stress	تکید ، تکیه		
quit	رها کردن	success	موفقیت		
rapidly	به سرعت	successful	موفق		
rather than	به جای	such	چنین ، این چنین		
recite	تلاوت کردن، از بر خواندن	text	متن		
reflexive	انعکاسی	themselves	خودشان		
relate to	مرتبط با	thinker	متفکر		
remember	به خاطر آوردن	thought	اندیشه ، فکر		
research	تحقیق	translate	ترجمه کردن		
researcher	محقق	translation	ترجمه		

واژگان درس چهارم کتاب زبان دهم - صفحه ۱

a set of	مجموعه ای از	comfortably	به راحتی	forget	فراموش کردن
activity	فعالیت	continent	قاره	four-season	چهار فصل
adverb	قید	contrastive stress	تکیه ی تقابلی	France	فرانسه
afternoon	بعد از ظهر	contrast	مقابله کردن	free time	اوقات فراغت
agent	کارگزار ، عامل	course	دوره ی تحصیلی	generous	بخشنده ، سخاوت مند
airport	فرودگاه	cruel	بی رحم، ظالم	great	عالی ، بزرگ
ancient	قدیمی ، باستانی	culture	فرهنگ	guest	مهمان
around	حدود ، تقریباً	dad	پدر	historical	تاریخی
arrive	رسیدن	desert	بیابان	holiday	روز تعطیل
at the same time	به طور هم زمان	destination	مقصد	Holy Shrine	حَرَمِ مُطَهَّر
attract	جذب کردن	differently	به طور متفاوتی	honestly	صادقانه ، به راستی
attractive	جذاب	domestic	محلی ، داخلی	hospitable	مهمان نواز
autumn	پاییز	drive	رانندگی کردن	host	میزبان
baggage	چمدان ، بار سفر	dry	خشک	illness	بیماری
be located	واقع شدن ، قرار گرفتن	education	آموزش	image	تصویر، پنداره
behavior	رفتار	educational	آموزشی	in	در ، بر
Beijing	پِکِن	Egypt	مصر	in front of	در جلوی
Beirut	بیروت	entertainment	سرگرمی ، تفریح	information	اطلاعات
bravely	شجاعانه	Europe	اروپا	international	بین المللی
Brazil	برزیل	evening	غروب ، عصر	Italy	ایتالیا
burning house	خانه ی در حال سوختن	exactly	دقیقاً	Japanese	ژاپنی
can	توانستن	experience	تجربه	Korean	کُره ای
ceremony	جشن ، مراسم	faculty	دانشکده، دانشگاه	little	کم ، کوچک
Chile	شیلی	fall	افتادن ، پاییز	local	محلی ، بومی ، داخلی
choice	انتخاب ، گزینه	flight	پرواز	loud	صدا ی بلند
comfortable	راحت، آسوده	foreign	خارجی	loudly	با صدای بلند

واژگان درس چهارم کتاب زبان دهم - صفحه ۲

main	اصلی ، مهم	planning	برنامه ریزی	Spanish	اسپانیایی
manner	رُوش ، شیوه ، مَنِش	point	نکته	speed	سرعت
may	ممکن بودن	politely	مودبانه	sport	ورزش
meal	غذا ، وعده ی غذایی	popular	محبوب ، مشهور	spring	بهار
means of	وسیله ی	post office	اداره ی پست	station	ایستگاه
meet	ملاقات کردن	prefer	ترجیح دادن	suggestion	پیشنهاد
midday	نیم روز	prepare	آماده کردن	suitable	مناسب، شایسته
midnight	نیمه شب	preposition	حرف اضافه	sunrise	طلوع خورشید
ministry	وزارت	price	قیمت ، بها	sunset	غروب خورشید
modal	فعل کمکی ناقص	probably	احتمالاً	surf the net	گشت و گذار در شبکه
mostly	اکثراً ، عمدتاً	pyramid	هِرَم	tourism	گردشگری
Muslim	مسلمان	quiet	ساکت ، آرام	tourist attraction	جاذبه گردشگری
must	باید	range	محدوده ، حیطة ، طیف	tour	گشت ، سفر
neatly	به طور مرتب	respect	احترام کردن	town	شهرک
next to	نزدیکِ ، کنارِ	rest	استراحت	traditional	سنتی
nicely	به طور دلپذیری	risk	خطر	training	تربیت ، آموزش
noon	ظُهر	rudely	بی ادبانه	transportation	حمل و نقل
on	روی ، بر ، در	rule	قانون ، دستور	traveler	مسافر
organization	سازمان	seem	به نظر رسیدن	vacation	تعطیلی ، مرخصی
Pakistan	پاکستان	should	بہتر بودن	vegetable	سبزی، گیاه
paradise	بهشت، فردوس	similar	مشابه ، یکسان	visa	رواید
passport	گذرنامه	site	مکان ، جا	wake up	بیدار شدن
patiently	صبورانه	soon	به زودی	wide	عریض ، وسیع ، گسترده
Peru	پرو	South America	آمریکای جنوبی	wind tower	بُرْج بادی (بادگیر)
phrasal	مربوط به عبارت	souvenir	سوغاتی ، کادو	winter	زمستان
pilgrim	زائر	Spain	اسپانیا		